

«کتاب مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب»

جمع آوری از کتاب دکتر قبادیان

جهت ۵ جلسه ارائه کلاس (مدرس جواد کرمدار اسرمی)

پارت اول

فصل اول: مقدمه

خردگرایی، توسعه علوم، توسعه فلسفه و گسترش تکنولوژی (کاربرد فلز و شیشه) منجر به تکوین مدرنیسم گشت. نخستین نمایشگاه بین‌المللی گل و گیاه با نام **قصر بلورین (Crystal Palace)** در سال ۱۸۵۱ توسط جوزف پاکستون و به کمک مصالح پیش‌ساخته در هایدپارک لندن احداث گردید. این بنا را اولین اثر معماری با مصالح کاملاً مدرن (آهن و شیشه) می‌دانند. این قصر که در مکان دیگری مجدداً احداث گردیده بود در سال ۱۹۳۶ در اثر آتش سوزی از بین رفت. استفاده از مصالح مدرن (فلز و شیشه) منجر به تکوین مکتب شیکاگو شد. چندین سال بعد در سال ۱۸۸۹ در نمایشگاه بین‌المللی به مناسبت یکصدمین سال انقلاب فرانسه در شهر پاریس، **برج ایفل** توسط گوستاو ایفل به ارتفاع ۳۳۰ متر و با مصالح پیش‌ساخته احداث گردید. این بنا نمادی از صنعت و تکنولوژی جدید بود. در این نمایشگاه اثر چشمگیر دیگری به نام تالار بزرگ ماشین نیز احداث گردید. در دهه ۱۹۱۰ - ۱۸۹۰ شاهد شکل‌گیری نهضت هنر نو در معماری هستیم. در این نهضت اصول معماری مدرن شکل گرفت. از جمله این اصول عدم سنت‌گرایی، انتقاد از مکتب‌های تقلیدی، توجه به فرم‌های جدید و رویکرد به روح زمان بود.

در سال ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول اتفاق افتاد. این جنگ ویرانگر نیاز به ساختن بناهای زیاد را به همراه داشت. در شرایط زمانی آن دوره، کارایی اصول معماری مدرن (عملکرد گرایی و بی‌توجهی به تزئین و احساس در اثر معماری) به فراگیر شدن این سبک کمک نمود. **اصول ۵ گانه معماری مدرن** از نظر لوکوربوزیه به این شرح است:

۱. مرتفع تر ساختن بنا نسبت به زمین به کمک ستون (پیلوتی). ۲. پلان آزاد (بنای دارای اسکلت). ۳. نمای آزاد (پنجره‌های افقی و کشیده). ۴. بام مسطح و باغ روی بام. ۵. استفاده از سقف کنسول
- این اصول را لوکوربوزیه به بهترین نحو در ویلا ساووا بکار بسته است. انتقادات به مکتب مدرن به دلایل سادگی و یکنواختی، بی‌توجهی به فرهنگ و تاریخ و... گسترش یافت تا اینکه در دهه ۱۹۶۰ سبک پست مدرن مطرح شد. ۲۰ سال بعد در سال ۱۹۸۰ با سبک دیکانسترکشن روبرو می‌شویم. گسترش تکنولوژی به شکل‌گیری سبک‌های تک می‌انجامد و توجه به ملاحظات زیست محیطی منجر به تبدیل سبک‌های تک به سبک اکوتک می‌گردد.
- کم‌کم آن معماری بسته، سنگین و ساکن که عمدتاً از مصالح آجر، سنگ و خشت بود جای خود را به معماری شفاف، باز و آشکار می‌دهد. این گرایش ناشی از تعمق، اکتشاف و میل انسان به پیشرفت و آگاهی بود.

در ایران از ۱۵۰ سال پیش (دوره‌ی ناصرالدین‌شاه) آشنایی شکلی (و نه مفهومی) با معماری غرب از طریق تصاویر فرنگ صورت پذیرفت. به این ترتیب سبک نئوکلاسیک غرب وارد ایران شد. عصر قاجاریه در ایران همزمان با دوره نئوکلاسیک (روکوکو) در غرب (۱۹۰۰ - ۱۷۵۰ م.) است.

زمینه‌های فکری و اجتماعی مدرنیته عبارتند از: انسان‌گرایی، عقل‌گرایی و علم‌مداری، دین‌پیرایی، روشنگری، انقلاب صنعتی. عده‌ای آغاز عصر مدرن را به انسان‌گرایی (اومانیزم) و خردگرایی در دوره رنسانس (قرن ۱۵ میلادی) که از فلورانس ایتالیا آغاز گشت، نسبت می‌دهند. در حقیقت رنسانس دوران گذار از جهان سنت به دنیای مدرن (از توجه به آسمان به توجه به زمین) است. در این عصر معماری غیرمذهبی اهمیت می‌یابد و اثر هنری به نام هنرمند شناخته می‌شود. بدین ترتیب هنرمندان در هنر غیر مذهبی مطرح می‌شوند. جنبش رنسانس (عصر روشنگری) به دنبال تجدید حیات اصول و نمادهای روم باستان و یونان کلاسیک بعد از دوران تاریک قرون وسطی و تجدید منطق‌گرایی، خردورزی و دستیابی به علم و زیبایی آن زمان است.

تاریخ آغاز رنسانس:

۱۴۲۰ میلادی: ساخت گنبد کلیسای جامع فلورانس توسط فلیپو برونلسکی.

۱۴۵۳ میلادی: سقوط قسطنطنیه مرکز حکومت روم شرقی یا بیزانس توسط سلطان محمد پادشاه عثمانی.

۱۴۵۳ میلادی: پایان جنگ‌های ۱۰۰ ساله بین فرانسه و انگلستان (۱۴۵۳ - ۱۳۳۷ م.)

منبع الهام معماران دوره رنسانس کتاب ویتروویوس (قرن یک قبل میلاد) به نام «در باب معماری» بود که در ده جلد در سال ۱۵۲۰ به ایتالیایی ترجمه می‌شود. در این عصر پرسپکتیو توسط مازاچچو کشف می‌شود. در هنر و معماری رنسانس احجام اولیه (مکعب، هرم، کره و استوانه) و نیز اصولی چون تقارن، همگونی و تناسبات ریاضی اهمیت می‌یابند. در این عصر پیشرفت تسلیحات و ابزار جنگی باعث از بین رفتن برج‌ها، دروازه‌ها و خندق‌ها در پیرامون شهرها می‌شود. در اواخر قرن ۱۸ میلادی تولیدات جدید صنعتی ابتدا در احداث پل‌ها، کارخانجات، تاسیسات بندرگاهی، سیلوهای گندم، بناهای عمومی و سپس در ساختمان‌های مسکونی مورد استفاده قرار گرفت. مصالح مدرن ابتدا در پل‌های سورن، ساندرلند و کلیفتون مورد استفاده قرار گرفتند. در کارخانه‌های ریسندگی در شرازبری و سالفورد انگلستان شاهد استفاده از دیوارهای خارجی باربر و اسکلت فلزی در سازه داخلی بنا هستیم. با اختراع اتومبیل مقیاس انسانی شهر به مقیاس اتومبیل تبدیل می‌شود.

معماری مدرن:

الف) معماری مدرن اولیه: (۱۹۱۴ - ۱۸۸۰ میلادی)

مکاتب و سبکهای شیکاگو، هنر نو و فوتوریسم.

مکتب شیکاگو

بزرگان این مکتب عبارتند از جنی، سولیوان، ریچاردسون و لوید رایت. شهر شیکاگو در آتش سوزی سال ۱۸۷۱ عمده‌تاً از بین رفت و زمینه‌ای مناسب برای تحولات جدید معماری و شکل‌گیری مکتب شیکاگو مهیا گردید. اولین ساختمان‌های مدرن بلندمرتبه با اسکلت فولادی، دیوارهای غیر

باربر و پنجره‌های وسیع در این شهر احداث می‌شوند. از اولین نمونه‌های این ساختمانها می‌توان به ساختمان بیمه (در سال ۱۸۸۳) و ساختمان فراستور در دهه طبقه توسط جنی اشاره کرد. در سال ۱۸۹۲ اولین ساختمان با اسکلت تمام بتنی توسط هنبیک در فرانسه احداث گردید. مکتب معماری مدرن با مبانی نظری مدون و تجلی کالبدی اندیشه‌های آن در اواخر قرن ۱۹ میلادی (دهه ۱۸۸۰) شکل گرفت. خاستگاه آن در آمریکا شهر شیکاگو و در اروپا شهرهای پاریس، برلین و وین می‌باشد.

لوئی سولیوان معروف‌ترین معمار سبک شیکاگو است که شعار محوری معماری مدرن «فرم تابع عملکرد» را مطرح کرد. **ریچاردسون** اولین معمار معروف آمریکایی با شهرت جهانی است. **لوید رایت** هم در خانه چارنلی و ساختمان لارکین به این سبک متکی بود. مکتب شیکاگو روی معماران اروپایی همچون آدولف لوس، لوکوربوزیه و جنبش فوتوریست‌های ایتالیا تاثیر گذاشت. شکل‌گیری برج‌سازی به شیوه مدرن (چه از نظر ساختار چه از نظر نما) در این مکتب آغاز شد. این سبک، اولین سبک معماری آمریکایی معروف در گستره جهانی است.

اصول نظری معماران مکتب شیکاگو (منشور اولیه معماری مدرن):

- ۱- استفاده از اسکلت فلزی برای ساختار کل بنا
- ۲- نمایش ساختار بنا در نمای ساختمان
- ۳- استفاده بسیار اندک از تزئینات
- ۴- استفاده از پنجره‌های عریض در حد فاصل ستون‌ها

۵- عدم تقلید از سبک‌های گذشته

نمایشگاه بین‌المللی کلمبیا در سال ۱۸۹۳ در شهر شیکاگو به مناسب چهارصدمین سال کشف قاره آمریکا آغازی بود بر پایان معماری مکتب شیکاگو. در این نمایشگاه که برنهایم رئیس اجرایی آن بود، ساختمان‌ها عمدتاً به سبک نئوکلاسیک ساخته شدند. سولیوان در این نمایشگاه ساختمان ترابری را با یک قوس بزرگ رومی طراحی کرد.

پارت دوم

نهضت هنر نو در معماری (۱۹۱۰ - ۱۸۹۰)

بزرگان این نهضت عبارتند از ویکتور اورتا، هکتور گیومارد، چارلز مکنتاش، اتو واگنر، آنتونی گادی

هنر نو (Art Nouveau) نام مغازه‌ای بود که طراحی داخلی آن توسط معمار بلژیکی وان دو ولده انجام شده بود. استفاده از مصالح مدرن (آهن، چدن، فولاد و بتن) و استفاده از تزئینات فرم‌های طبیعی، گیاهی و رمانتیک در ظاهر کلی و جزئیات ساختمان به صورتیکه عناصر در حال وزیدن و حرکت به نظر برسند، از ویژگی‌های این سبک است. سبک هنر نو الهام گرفته از سبک هنرها و صنایع دستی در انگلستان است که شعار ابداع به جای تقلید از گذشته را سر می‌دادند. سبک هنر نو به جای الهام از گذشته، توجه خود را معطوف به آینده و تکنولوژی، احجام و فرم‌های جدید دارد. این سبک در کشورهای مختلف به نام‌های مختلفی چون سبک مدرن، سبک گیومارد، سبک جوان، سبک آزاد، مدرنیسم و سبک جدایی نامیده شد.

اصول فکری نهضت هنر نو عبارتند از:

۱. انتقاد شدید از اشیاء و مکتب‌های تقلیدی ۲. جدایی از گذشته ۳. ابداع فرم‌های جدید ۴. هنر مناسب زمان
۵. استفاده از تولیدات مدرن ۶. استفاده از تزئینات و فرم‌های طبیعی و رمانتیک.

آنتونی گادی خلاق‌ترین معمار سبک هنر نو است. وی معتقد است که در طبیعت هیچ خط مستقیمی وجود ندارد. از شاهکارهای او می‌توان به پارک گوئل و کلیسای ساگرا فامیلیا (خانواده مقدس) در بارسلون اسپانیا اشاره کرد. طرح اولیه این کلیسا توسط ویلار و ملهم از سبک گوتیک می‌باشد. گادی در آثارش از گذشته الهام می‌گرفت ولی از تاریخ تقلید نمی‌کرد. لذا او را پدر معماری پست‌مدرن می‌نامند. او از سبک‌های گوتیک، مراکشی و موریش (معماری اسپانیا - اندلس - در دوره‌ی اسلامی بین قرون ۱۵-۸ م.) نیز الهام گرفته است.

سردرهای ورودی مترو پاریس را **گیومارد** در سال ۱۹۰۰ طراحی کرده است. آثار **وارطان** در دوره پهلوی اول و دوم در تهران به سبک هنر نو ساخته شد.

نمایشگاه هنر تزئینات و صنعت در پاریس در سال ۱۹۲۵ به پیدایش سبک هنر تزئینات (Art Deco) انجامید که در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ رونق گرفت. سبک هنر تزئینات تداوم سبک هنر نو محسوب می شود. در این سبک تزئینات فقط گیاهی و طبیعی نبوده، بلکه از انواع و اقسام تزئینات (مثلاً استفاده از صفحه های براق فلزی) در آن استفاده می شد. هنر تزئینات سعی در تلفیق هنر با تولیدات صنعتی داشت. شاخص ترین ساختمان این سبک، ساختمان کرایسلر در نیویورک اثر ون آلن است.

بنیانگذاران مهم معماری مدرن در غرب:

۱. پیتر بهرنز (آلمان): وی نخستین معمار نامدار در اروپا بود که طراحی کارخانه و تولیدات صنعتی را به صورت گسترده انجام داده است. گروپیوس، لوکوربوزیه، میس ونده روهه برای مدتی در دفتر وی کار می کردند. وی خانه خود را به سبک هنر نو طراحی کرد.

۲. آگوست پره (فرانسه): وی در تبدیل بتن مسلح به عنوان یک نوع مصالح معماری مدرن نقش داشت و از بتن مسلح در ساخت تئاتر شانزله لیزه پاریس و کلیسای نوتردام بهره گرفت. وی تئاتر شانزله لیزه را به شیوه پروتالیسم (استفاده از بتن و مصالح به صورت عریان) و به سبک هنر نو طراحی کرد و بتن مسلح را در فضاهای داخلی ساختمان و نمای خارجی به نمایش گذاشت.

۳. آدولف لوس (اتریش): وی از مخالفان اصلی اصول زیباشناسی سبک هنر نو بود که مقاله «تزئینات و جنایت» را نوشت. وی معتقد بود در جهان عملکردی مدرن، تزئینات موضوعی ارتجاعی، بیهوده و متعلق به گذشته است.

جنبش فوتوریسم (۱۹۱۴ - ۱۹۰۹ م.)

بزرگان این جنبش عبارتند از مارینتی، سنت الیا، چیاتونه و نیزولی.

سبک باروک در قرن ۱۷ و سبک فوتوریسم در قرن ۲۰ به عنوان سبکهای معماری ایتالیایی شناخته می شوند. این سبک در حقیقت انقلابی ترین نگرش نسبت به جهان مدرن و مقتضیات و خصوصیات آن است. باید توجه داشت که هیچ ساختمان مهمی به این سبک ساخته نشد.

مارینتی بنیانگذار سبک فوتوریسم بود که در سال ۱۹۰۹ به انتشار منشور فوتوریسم در روزنامه فیگارو پاریس پرداخت. **سنت الیا** در سال ۱۹۱۴ منشور معماری فوتوریسم را مطرح می کند و در آن به ترسیم شهر فوتوریستی می پردازد. وی از حذف راهپله ها و استفاده از آسانسورها همچون اژدهایی از آهن و شیشه بر پیکر ساختمان، استفاده از مصالح بتن، شیشه و آهن در ساخت خانه ها، حذف تزئینات، الهام از جهان مکانیکی به جای الهام از طبیعت، توجه به زیبایی جدیدی به نام سرعت و سیطره اتومبیل و تکنولوژی بر شهرها سخن به میان می آورد.

ویژگی های جنبش فوتوریسم در معماری:

توجه به علم و تکنولوژی جهان آینده، توجه به حمل و نقل سریع‌السیر، گسست از گذشته، حذف تزئینات، بلند مرتبه‌سازی، نمایان کردن اجزاء عملکردی و تکنولوژیک ساختمان. این ویژگی‌ها بعدها بر کار معمارانی چون لوکوربوزیه و گروپئوس و بر سبک‌های کانستراکتیویسم و های‌تک تاثیر گذاشت.

پارت سوم

ب) معماری مدرن متعالی: (دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی)

مدرسه باهاوس، کانستراکتیویسم، لوکوربوزیه، معماری ارگانیک. سبک‌های تاریخ‌گرا (سبک‌های نئوکلاسیک، رمانتیک و التقاطی) در دوره معماری مدرن اولیه همچنان به حیات خود ادامه می‌دادند لیکن با پایان جنگ جهانی اولو نیاز به ترمیم خرابی‌های گسترده جنگ و تولید انبوه ساختمان، گرایش به سمت معماری مدرن افزایش یافت. در نتیجه در این دوره شاهد گرایش بیشتر به استفاده از تکنولوژی روز، مصالح مدرن، پیش‌ساختگی، عملکردگرایی و دوری از سبک‌های پر زرق و برق تاریخی هستیم. در این زمان معماری مدرن به عنوان سبک آوانگارد (پیشرو) در غرب مطرح شد.

مدرسه باهاوس

بزرگان این دوره عبارتند از گروپیوس، لوکوربوزیه و میس ونده روهه

مدرسه هنرها و صنایع دستی که بعدها به مدرسه باهاوس تغییر نام یافت در سال ۱۹۰۶ توسط وان دوولده در ویمار آلمان جهت ایجاد همکاری بین هنرمندان و معماران تاسیس شد. در سال 1919 گریپیوس ریاست مدرسه را به عهده گرفته و نام آنرا به باهاوس تغییر می‌دهد. در این دوره گرایش مدرسه بیشتر به سمت طراحی صنعتی و فرم‌های مکعب‌شکل ساده هدایت شد. گریپیوس به وجود هنر و زیبایی در تکنولوژی و تولیدات صنعتی اعتقاد داشت و عبارت فرم تابع عملکرد را بر سر در مدرسه باهاوس نصب کرد. در این دوره عملکردگرایی صرف به پرهیز از هر گونه تزئین انجامید. پس از گریپیوس، هانز مایر، میس ونده روهه ریاست مدرسه را بر عهده گرفتند که به دلیل علاقه نازی‌ها به سبک معماری کلاسیک، مدرسه تعطیل می‌شود. مدرسه باهاوس اولین مدرسه معماری مدرن بود.

گروپیوس به همراه مایر ساختمان کارخانه فاگوس را طراحی می کنند. این بنا اولین ساختمان به سبک بین‌الملل می‌باشد که به صورت ساختمان مکعب شکل با دیوارهای شیشه‌ای و بدون تزئینات است.

میس ونده روهه استاد ممتاز به کارگیری مصالح مدرن (شیشه و فولاد) است. وی طراحی اولین آسمانخراشها با پوشش شیشه‌ای (مثل ساختمان سیگرام در نیویورک) را که الگوی ساخت ساختمانهای اداری، دولتی و تجاری شد، بر عهده داشت. وی به سبک مدرن کار می کرد و به طراحی فضا و پلان آزاد می پرداخت. به عقیده او پیشرفت صنعت به رفع مسایل اجتماعی، اقتصادی، هنری و ... می انجامد. وی مخالف هر گونه تزئینات بود و شعار «کمتر بیشتر است» را مطرح کرد که اساس سبک مینیمالیسم شد و فیلیپ جانسون این ایده را در طرح خانه شیشه‌ای اجرا کرد. چارلز مور در مخالفت با این ایده شعار «بیشتر بیشتر است» یا من بیشتر هستم، را مطرح می کند.

نمایشگاه سبک بین‌المللی در سال ۱۹۳۲ به همت فیلیپ جانسون (از شاگردان میس ونده روهه) و هنری راسل هیچکاک برگزار شد که در آن طرحهای معماران مدرن خصوصاً میس ونده روهه به نمایش گذاشته شد. در سبک بین‌الملل بر این عقیده اند که ساختمان هم باید همانند تولیدات صنعتی فاقد هر گونه خصوصیات منطقه‌ای، شهری، محله‌ای و آب و هوایی باشد. در این نمایشگاه ساختمانها به صورت مکعبهای شیشه‌ای توسط میس ونده روهه، فیلیپ جانسون، آی ام پی و شرکت SOM به نمایش درآمد.

کانستراکتیویسم (ساختارگرایی) (۱۹۳۵-۱۹۲۰ م.)

بزرگان این دوره عبارتند از تاتلین، ملنیکوف، وسنن و ال لیسیتزکی

این سبک در فاصله‌ی دو جنگ جهانی شکل گرفت. طی چند سده گذشته تنها سبکی که در شوروی متولد شده (مدرنیسم شوروی) و بر غرب تاثیر گذاشته سبک کانستراکتیویسم است. انقلاب شوروی به رهبری لنین در سال ۱۹۱۷ زمینه ساز شکل گیری این سبک شد. کانستراکتیویسم دارای نقاط مشترک متعدد با هنر سوسیالیسم (اعتقاد به گسست از گذشته و نگاه به آینده) است. حمایت دولت سوسیالیستی از طرحهای بزرگ به معماری به این سبک کمک نمود. در این سبک توجه ویژه به سوی صنعت، تکنولوژی و عملکرد است.

ملنیکوف اولین معمار روس با شهرت بین‌المللی است. وی به طراحی باشگاههای کارگران می پرداخت.

ال لیسیتزکی بنیان‌گذار کانستراکتیویسم و معرف این سبک به غرب است.

وسنن نظریه پرداز و معمار مهم این سبک بود که طراحی ساختمان روزنامه پراودا به سبک کانستراکتیویسم را به عهده داشت.

نماد سبک کانستراکتیویسم: ماکت یادبود سومین کنگره بین‌الملل کومونیست در مسکو که طراحی آن به صورت بنای مارپیچ حلزونی شکل توسط تاتلین و در سال ۱۹۲۰ صورت پذیرفت. اگر برج ایفل را طلوعه عصر تکنولوژی مدرن بدانیم، بنای یادبود سومین کنگره طلوعه عصر سوسیالیسم است. این طرح نمادی است از روند تکامل تاریخی که در آن تاریخ خود را تکرار می‌کند، لیکن هر تکرار در مرحله ای بالاتر و فراتر از مرحله قبل صورت می‌پذیرد و در نهایت تکامل تاریخ به سوسیالیسم و کمونیسم ختم می‌شود.

شعار کانستراکتیویست ها: «مرگ بر هنر، زنده‌باد تکنولوژی... زنده‌باد تکنسین‌های کانستراکتیویست.»

اصول معماری کانستراکتیویسم:

۱. نمایش تکنولوژی ۲. نمایان کردن عملکرد، سازه، تاسیسات و سیرکولاسیون (که بر آثار زاها حدید و نیز بر سبک های تک تاثیر گذاشت) ۳. پرهیز از تزئینات

لوکوربوزیه (شارل ادوراد ژانره)

لوکوربوزیه دو کتاب معروف در زمینه معماری و شهرسازی دارد که به عنوان منشور بینش مدرن شناخته می شوند:

۱. در زمینه معماری: «به سوی یک معماری مدرن» که در سال ۱۹۲۳ منتشر شد. وی در این کتاب به پیش‌ساختگی و استفاده از مصالح بتن و تیر آهن تأکید می کند.

۲. در زمینه شهرسازی: «شهر آینده» که در سال ۱۹۲۴ منتشر شد. وی در این کتاب به خیابان‌های چند طبقه، پیش‌ساختگی و بلندمرتبه‌سازی (در راستای تامین نور و هوا) که به طرح آسمان‌خراش‌های چندعملکردی یکصد هزار نفری می انجامد، اشاره می کند.

نمونه کامل برج‌های چند منظوره (چند عملکردی) لوکوربوزیه را در طرح نورمن فاستر برای برج هزاره توکیو به سبک‌های تک مشاهده کرد. لوکوربوزیه شعار «خانه، ماشینی برای زندگی» را مطرح می کند. در زمینه شهرسازی دو شهر (پایتخت جدید) شاندیگار در هند و برازیلیا در برزیل بر اساس نظریات لوکوربوزیه ساخته شدند. طراحی شهر برازیلیا توسط لوئیچی کوستا و طراحی بناهای عمومی آن توسط اسکار نیمایر صورت گرفت.

پارت چهارم

معماری ارگانیک (در قرن ۱۹ و نیمه اول قرن بیستم میلادی)

بزرگان این سبک عبارتند از سالیوان، لوید رایت، هرینگ، آلتو، فرانس و گروه دیستیل.

بینش معماری ارگانیک ریشه در فلسفه رمانتیک دارد و بر پایه الهام از طبیعت، ارتباط عملکرد و سازه، اعتقاد به پویایی فرم‌های طبیعی، تلفیق ساختمان با محیط طبیعی و اعتقاد به رشد درونزای فرم ارگانیک استوار است.

کلاسیسیسم (خرد باوری): بر پایه خرد، منطق، ریاضی و فیزیک است و در سبک مدرن متجلی می‌شود. در نتیجه آن اصولی چون نظم، تقارن، تناسب و وضوح مورد تاکید قرار می‌گیرند و این بینش در برخورد با طبیعت به سلطه بر طبیعت می‌پردازد.

رمانتیسم (احساس باوری): بر پایه تخیل، احساس، عاطفه و هیجان است و در سبک رمانتیسم متجلی می‌شود. در نتیجه آن اصولی چون ابهام، توهم، برانگیختن احساسات و توجه به طبیعت مورد تاکید قرار می‌گیرند و این بینش در برخورد با طبیعت به تحسین طبیعت می‌پردازد.

سولیوان: سنگ و ملات در ساختمان ارگانیک زنده می‌شود.

سولیوان: فرم تابع عملکرد است. عملکردی که در پروسه رشد و حرکت طبیعی دیده می‌شود (معماری ارگانیک).

گروپپوس: فرم تابع عملکرد است. عملکردی که در تکنولوژی و عملکرد ماشین دیده می‌شود (معماری مدرن).

لوید رایت: «هیچ خانه ای نباید روی تپه باشد، بلکه باید جزئی از آن و برآمده از طبیعت باشد، متعلق به آن باشد تا تپه و خانه بتوانند با هم زندگی کنند.» این مطالب را به بهترین وجه می‌توان در خانه آبشار مشاهده کرد. در این اثر مرز بین معماری و طبیعت برداشته شده است. همچنین خانه‌های اولیه رایت به خانه‌های دشت‌های مسطح معروف بوده که دلیل آن هماهنگی با دشتهای مسطح حومه شیکاگو است و نمونه آن را می‌توان در خانه‌ی روبی مشاهده کرد.

ویژگی های معماری ارگانیک از نظر لوید رایت:

حضور طبیعت در داخل و خارج بنا، تلفیق شدن کل مجموعه (جزء با کل و کل با جزء)، تلفیق فرم و عملکرد (فرم و عملکرد یکی هستند)، اعتقاد به فرم‌های لطیف، دلپذیر و انسانی روی مصالح سخت، تبعیت و نه تقلید از سنت، توجه به تزئینات به عنوان بخش جدایی ناپذیر معماری، طرح فضای در حال گسترش، توجه به بعد سوم (ضخامت و عمق)، نمایش ماهیت مصالح در ساختمان، احداث ساختمان‌های محلی (ارگانیک) و لزوم توجه به زمان، مکان، محیط و هدف طراحی (معماری زمینه‌گرا).

معماری ارگانیک در ایران: این سبک معماری را می‌توان در آثار سیحون در مقبره نادرشاه مشهد و آرامگاه بوعلی سینا در همدان، اثر پاسبان حضرت در پارک جمشیدیه و در طرح‌های ایروانیان مشاهده کرد.

ج) معماری مدرن متأخر (۱۹۴۵-۱۹۷۲ میلادی)

سبک‌ها و شیوه‌های تندیس‌گرایی، بروتالیسم، مینیمالیسم و سبک بین‌المللی.

نکته: رایت تنها معماری است که در هر سه دوره معماری مدرن ساختمان‌هایی با شهرت جهانی ساخته است. آخرین کار معماری او موزه گوگنهایم نیویورک (۱۹۵۹-۱۹۴۳) است.

تندیس‌گرایی

نمونه ساختمان‌های تندیس‌گونه را در آثار زیر می‌توان مشاهده کرد:

لوکوربوزیه: کلیسای رونشان فرانسه، ساختمان‌های شاندیگار و مرکز هنری کارپنتر در دانشگاه هاروارد).

ارو سارینن: (ترمینال هوایی T.W.A در نیویورک و ترمینال هوایی دالاس).

یورن اتسن: (ساختمان اپرای سیدنی). این اثر به صدف‌های دریایی و بادبان‌های کشتی تشبیه شده است و نکته مهم آن این که شعاع قوس قطاع‌ها با هم برابر است.

کنزو تانگه: (استادیوم ورزشی توکیو ۱۹۶۰). وی اولین معمار ژاپنی با شهرت جهانی است.

ویژگی مشترک همه آثار ذکر شده استفاده از مصالح بتن است. در حقیقت در ساخت آثار تندیس‌گونه، بتن به مانند خمیر مجسمه‌سازی قابلیت ایجاد احجام متنوع را فراهم می‌کند.

بروتالیسم

بزرگان این سبک عبارتند از استرلینگ، رودولف، پره، اسمیتسونو لوکوروبوزیه.

بروتالیسم به معنی نمایش بتن و سطح خشن آن در نماهای داخلی و خارجی و نیز نمایش اغراق آمیز سازه و تیرها همچون قلعه‌ای مدرن است. نمونه این شیوه را در تئاتر شانزله‌لیزه اثر آگوست پره می توان مشاهده نمود.

مینیمالیسم

بزرگان این سبک عبارتند از آندو و سیزا

پارت پنجم (آخر)

سبک بین الملل

بزرگان این سبک عبارتند از میس ونده روهه، فلیپ جانسون، گروپپوس، شرکت SOM.

شهرک اکباتان: مثال خوبی از شهرسازی مدرن بر اساس عقاید لوکوربوزیه است. ساختمان‌های مکعب‌شکل بلندمرتبه این شهرک با مصالح بتن مسلح و بی توجه به مسائل اقلیمی، زمینه‌های فرهنگی و بومی در دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی طراحی شده است.

سال ۱۹۵۲: طراحی شهر شاندیگار به عنوان پایتخت جدید و مدرن هند در ایالت پنجاب (پس از استقلال هندوستان و جدا شدن از پاکستان در سال ۱۹۴۷ به دستور جواهر لعل نهرو) صورت گرفت.

سال ۱۹۵۷: طراحی شهر برازیلیا به عنوان پایتخت جدید و مدرن برزیل توسط کوستا و به شکل هواپیما طراحی می‌شود. طراحی شهر برازیلیا بر اساس حرکت اتومبیل و بی توجه به مقیاس انسانی و پیاده صورت گرفته است.

لوئی کان: وی را حلقه‌ی بین سبک معماری مدرن و پست‌مدرن می‌دانند. وی معتقد به تطبیق سنت و تاریخ با نیازهای زمان معاصر بود و به استفاده خلاقانه از عناصر تاریخی می‌پرداخت. وی ایده جدایی فضاهای سرویس شونده و سرویس‌دهنده را مطرح می‌کند که این ایده را در ساختمان مجلس ملی بنگلادش در داکا به نمایش می‌گذارد. ساختمان موسسه علوم اداری احمدآباد هند نیز از آثار برجسته کان محسوب می‌شود.

فولر: معمار و مبتکر آمریکایی که در طرح خانه دایمکسون، دینامیک و ماکزیمم کارایی را مورد توجه قرار می‌دهد.

فیلیپ جانسون: وی در معرفی سبک‌های جدید نقش جالب توجهی داشت. وی آثاری به سبک پست مدرن (ساختمان AT&T)، مینیمالیسم (خانه شیشه‌ای)، دیکانستراکشن، فولدینگ و نئو کلاسیک داشته و در مسابقه مرکز ژرژ پمپیدو نیز به عنوان داور مسابقه حضور داشته است.

تنها سبک فراگیر و جهانی در بخش عمده‌ای از قرن ۲۰ سبک معماری مدرن بود. سرانجام **چارلز جنکز** در سال ۱۹۷۲ با انهدام مجتمع مسکونی مدرن پروت ایگو در سنت لوئیس آمریکا که مکعب شکل و بدون هرگونه تزئینات احداث شده بود، در کتاب خود با نام «زبان معماری پست مدرن» تاریخ دقیق مرگ معماری مدرن را اعلام می‌کند. وی

در این کتاب به نقد میس ونده روهه به عنوان الگوی معماران مدرن پرداخته و معتقد است که معمار در طراحی ساختمان بایستی همکار و مشاور استفاده کننده باشد. برولین نیز در کتاب «شکست معماری مدرن» به نقد طرح شاندیگار می پردازد.

پست مدرن:

دوره پست مدرن (پسا مدرن، فرا مدرن)، دوره فراصنعتی و دوره تاریخی بعد از مدرن است. «فلسفه روح زمان و معماری کالبد زمان است». بنابراین با عوض شدن روح زمان، کالبد زمان (معماری) هم تغییر می کند. فلسفه پست مدرن منجر به شکل گیری معماری پست مدرن شد. پست مدرنیته در واقع نقد مدرنیته در فرایند تاریخ مدرنیته است. دیدگاه پست مدرن بازگشت به دوران ماقبل مدرن نیست. به نظر آنها دوران مدرن و ماقبل مدرن، هر دو به نوعی اسیر کلیت گرایی (توتالیته) هستند. در دوران ماقبل مدرن توتالیته مذهبی بود و در دوران مدرن توتالیته عقل گرایی محض بود. اتفاقات جنگ جهانی نتایج همین عقل گرایی بوده است. به نظر پست مدرن ها نتایج عقل گرایی محض و قطعیت علمی در دوران مدرن مسایلی است که امروز در قرن ۲۱ با آنها دست به گریبانیم. مسایلی چون: کم بها شدن حیثیت انسان، بی هویتی، بحرانهای فرهنگی، خشونت و جنگهای ویرانگر، کم رنگ شدن روابط انسانی، کم رنگ شدن احساسات و تسلط تکنولوژی بر زندگی انسان.

پست مدرنیسم مانند مدرنیسم دارای اصول و قواعد مشخص و اهداف روشن نیست. این دیدگاه تنها جنبه های منفی مدرنیسم را مورد تشکیک قرار می دهد و جایگزینی مطرح نمی کند. پست مدرنیسم دارای منطق نفی (نفی مدرن) است نه اثبات. این مکتب اصولاً با ایدئولوژی کلی مخالف است و معتقد است مشکلات محلی نیازمند راه حل های محلی نیز می باشند. بنابراین با کثرت گرایی مواجه می شویم.

مدرنیسم که در سبک بین الملل، ایدئولوژی کمونیسم، لیبرالیسم و ... تبلور می یابد، دیدگاهی وحدت گراست.

پست مدرنیسم که در سبک های بومی و محلی (توجه به بافت و زمینه) تبلور می یابد، دیدگاهی کثرت گراست. در این دیدگاه تفاوت های فرهنگی به تفاوت در معماری منجر می شوند.

معماری پست مدرن: (دهه ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۸۵)

مفاهیم و معانی معماری پست مدرن متعلق به روشنفکران و مردم عوام است، درحالیکه مفاهیم معماری مدرن تنها روشنفکران را مورد خطاب قرار می دهد. معماری پست مدرن را به دلیل استفاده از احجام، تزئینات و رنگهای عامه پسند، معماری مردمی و معماری پاپ نیز می نامند. همچنین از آن به معماری التقاطی و تلفیقی یاد می کنند که به

دلیل التقاط و تلفیق سبکها و دوره های مختلف تاریخی در این سبک است که البته با مصالح متفاوت و متنوع اجرا می شوند. از معماران پست مدرن آمریکا می توان به مایکل گریوز، چارلز مور و رابرت استرن اشاره کرد. در اروپا نیز نام آورانی چون جیمز استرلینگ، ماریو پوتا، آلدو روسی و هانز هولاین به این سبک گرایش داشته اند.

آنتونی گادی را پدر معماری پست مدرن نامیده اند. از لویی کان که استاد رابرت ونتوری بوده به عنوان حلقه اتصال بین معماری مدرن و پست مدرن یاد می کنند و سرانجام ونتوری را آغازگر جنبش پست مدرن در معماری می دانند.

رابرت ونتوری: ونتوری را آغازگر جنبش پست مدرن در معماری می دانند. وی به نقد اندیشه منطق گرا و تکنومدار معماری مدرن پرداخته و در کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری»، میس ونده روهه را به عنوان نماد معماری مدرن مورد انتقاد قرار می دهد و لزوم توجه به معماری انسان مدار را مطرح می کند. وی در کتاب «از لاس وگاس بیاموزیم» از توجه به فرهنگ و زندگی مردم در این شهر که از طریق استفاده از نمادها و احجام معماری عامه پسند صورت پذیرفته، سخن می گوید. ونتوری معتقد است که تزئینات بخشی از خصوصیات فرهنگی و تاریخی هر منطقه است. ونتوری در سال ۱۹۶۲ خانه ای برای مادر خود طراحی می کند که این خانه نماد معماری پست مدرن است. وی در این خانه ایده «خانه، خانه است» را اجرا می کند و معتقد است یک خانه در درک عامه مردم باید بیش از هر چیز شبیه خانه باشد. وی در این اثر مفاهیم دوگانه ای چون وحدت و کثرت، پیچیدگی و سادگی و تقارن و عدم تقارن را بکار می بندد.

میس ونده روهه (سبک مدرن): «کمتر، بیشتر است».

ونتوری (سبک پست مدرن): در جواب میس «کمتر، کسل کننده است». در جواب لوکوربوزیه «خانه، خانه است».

چارلز مور (سبک پست مدرن): «بیشتر، بیشتر است» یا «من، بیشتر هستم».

ویژگی های معماری پست مدرن:

۱. اعتقاد به سبک های محلی و بومی ۲. نگرش فرهنگی به معماری ۳. زمینه گرایی (فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی، اقلیمی و ...) در معماری.

از معماران پست مدرن در ایران می توان به شیخ زین الدین، کلانتری و صفامنش اشاره کرد که الگوی معماری دوره قاجار را در آثارشان بکار می بستند.

چارلز مور میدان ایتالیا را در نیو اورلئان آمریکا و به سبک پست مدرن طراحی می کند. وی در پلان مجموعه نقشه ایتالیا (به شکل چکمه) و در مرکز میدان فرم جزیره سیسیل را طراحی می کند. مور در این میدان با تلفیق فرم های کلاسیک و مصالح جدید (بتن و ورق گالوانیزه) به ایجاد تنش کمک می کند.

فلیپ جانسون نیز در طرح ساختمان AT&T با قرار دادن سنتوری تزئینی و غیر عملکردی به سبک پست‌مدرن تغییر موضع می‌دهد.

معماری پست‌مدرن سفید (نئومدرن)

در سال 1972 کتابی به نام «پنج معمار» منتشر شد. این ۵ نفر عبارتند از: گریوز، گوآتمی، آیزنمن، هیداک و ریچارد میر. الگوی آنها ساختمانهای مدرن سفید رنگ لوکوربوزیه و ساختمانهای دهه ۳۰ و ۱۹۲۰ بود. این افراد سبک نئومدرن را مطرح می‌کنند.

سبک نئومدرن (پست‌مدرن سفید): ساخت ساختمانهای سفید مدرن (رنگ سفید در نماها).

سبک پست‌مدرن (پست‌مدرن خاکستری): نه سفید و نه سیاه؛ بلکه التقاطی از موضوعات مختلف (رنگ خاکستری از نظر مفهومی).

معماران سبک نئومدرن غیر از ریچارد میر بعدها به دیگر سبک‌ها گرایش پیدا می‌کنند. گریوز به پست‌مدرن خاکستری و آیزنمن به دیکانستراکشن گرایش پیدا می‌کند.